

12 دلو 1390 (1 فبروری 2012)

## طالبان؛ پروژه اسلام آباد نه اسلام

محمد اکرام اندیشمند

سرانجام القاعده هم به این حقیقت پی برد که طالبان در افغانستان پیش از آنکه مطیع اسلام باشند، تابع اسلام آباد هستند؛ آنچی را که رادیو تلویزیون بی.بی.سی از گزارش محرم ناتو در مورد طالبان و آی.اس.آی پاکستان امروز دوازدهم دلو 1390 خورشیدی (اول فبروری 2012) منتشر کرد.

در این گزارش، سازمان پیمان اتلانتیک شمالی - ناتو از کمک مستقیم سازمان جاسوسی نظامی پاکستان (آی.اس.آی) سخن میگوید. سخنگوی وزارت دفاع ایالات متحده امریکا (جان کری) این رابطه را میان طالبان و پاکستان مورد تأیید قرار میدهد. تذکر و تأیید غربی ها در مورد حمایت پاکستان و به ویژه کمک های مداوم سازمان اطلاعاتی ارتش آن کشور از طالبان خبر جدیدی نیست، اما نکته ی مهم در این گزارش اذعان و اظهار یکی از رهبران القاعده به ماهیت طالبان به عنوان ابزار دست پاکستان در جهت اهداف و منافع آن است. هر چند که برخورد و عملکرد ایالات متحده امریکا و متحدین اروپایی اش در برابر پاکستان که با کمک به طالبان موجب قتل سربازانشان در افغانستان می شود ابهام آفرین و پرسش برانگیز است.

اگر حقیقتی در تمام حرف و حدیث افراد رهبری القاعده تا کنون وجود داشته باشد تنها همین نکته است که به ماهیت طالبان به عنوان ابزار دست پاکستان پی برده اند. بدون تردید پروژه ی طالبان یک پروژه ی استخباراتی دستگاه اطلاعات نظامی پاکستان است. همانگونه که جریان طالبان ابزار دست آی.اس.آی در جهت تأمین اهداف و منافع آنها است، این جریان نیز از دین و شریعت به عنوان ابزار دست خود استفاده میکنند.

پاکستانیها تا قبل از حمله ی امریکایی ها و جنگ ناتو از پروژه ی طالبان تنها در جهت تأمین اهدافشان در افغانستان استفاده میکردند ؛ اما اکنون و پس از یک دهه جنگ دو هدف دیگر را شامل این پروژه ساخته اند:

- 1- استفاده از پروژه طالب در دشمنی و تصفیه حساب با هندوستان.
  - 2- ابزاری در جهت باج گیری از امریکایی ها و اروپایی ها.
- زامم داران پاکستانی در آغاز حمله ی نظامی امریکا به افغانستان که مورد تهدید امریکایی ها قرار گرفتند در مانده و پریشان بودند. مشرف در برابر تهدید ارمناژ معاون وزارت خارجه امریکا که پاکستان یا در کنار امریکا قرار می گیرد و یا علیه امریکا، به قول خودش یک نی محکم به طالبان گفت و در کنار امریکا ایستاد. اما زمام داران پاکستانی ده سال بعد از آن زمان طالبان را دو باره وارد میدان جنگ ساختند . آنها پس از ده سال بازی بسیار ماهرانه اکنون پروژه ی طالبان را به بزرگترین پروژه ی حیاتی در جهت اهداف استراتژیک خود تبدیل

کرده اند. استفاده از طالبان به عنوان ابزار تأمین خاست های شان در افغانستان یک بخش کوچک این پروژه است. پاکستان میخواهد طالبان را همچنان به عنوان ابزار مهم و مؤثر در جهت مقابله با هند حفظ کند. استفاده از طالبان برای کسب سود بیشتر از امریکایی ها در عرصه های مختلف حیات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای آنها فرصت طلایی محسوب می شود. پاکستانیها تا کنون از این فرصت به خوبی بهره برده اند و به سختی تلاش میکنند تا این ابزار و این فرصت را از دست ندهند.

نکته ی جالب این است که ژنرالان پاکستانی بصورت آشکار از نیاز امریکا و غرب به همکاری پاکستان در مبارزه با تروریسم سخن می گویند . ژنرال پرویز مشرف در سال 2006 گفت که اگر آی.اس.آی با غرب در جنگ با تروریسم همکاری نکند غربی ها در این جنگ بزانو در می آیند. اما پرسش اصلی این است که غربی ها علی رغم اثبات نقش پاکستان در جنگی که خون سربازان آنها نیز به زمین می ریزد تا چه زمانی این نقش و دخالت را در اسناد محرم و طبقه بندی شده حفظ میکنند و مانع دخالت پاکستان در این جنگ نمی شوند؟ آیا آنها با پاکستان در پرورش تروریست و تقویت تروریسم از یکسو و در جنگ با تروریسم از جانب دیگر پروژه ی مشترک و هماهنگ دارند؟